

The Effect of Iran's Islamic Revolution on Tunisia's Islamic Movement

Mohammad Fatehi ¹

Doi: 10.22034/fademo.2024.443803.1030

Amir Azimi Dolat Abadi ²

Abstract

The Islamic Revolution of Iran has had a wide reflection beyond the borders of Iran and the Middle East region and has reached the distant region of the Arab Maghreb, including Tunisia. Tunisia gained its independence in 1956 and was the most secular government in the Arab world until the victory of the Islamic Revolution. This country faced a kind of religious awakening in the early seventies, and at the end of this decade, with the failure of liberal economic policies and the emergence of riots in the country, Islamic sentiments took a political form and Islamic political groups were formed, the most famous of which was "Al-Nahda". During the struggle of the Iranian revolutionaries, especially after the victory of the Islamic revolution, the Tunisian regime, worried about the impact of this revolution on Tunisia, openly opposed it and labeled Tunisian Islamists as "Khomeinists". However, the Tunisian Muslim activists, inspired by the Iranian revolutionaries, tried to expand their activities. The Islamic Revolution and the thoughts of Imam Khomeini (RA) had a tremendous impact on the opponents and the adoption of the approach of social and cultural struggle, and the anti-arrogant revolutionary Islamic government became the desirable government of Muslims.

Keywords: Islamic Revolution, Reflection, Diffusion Theory, Tunisia, Al-Nahda.

1 . Ph. D Candidate of sociology, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. (Email: Fatehi2005@gmail.com)

2 . Assistant Professor of Sociology, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. (Email: aazimii@yahoo.com)

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نهضت اسلامی تونس

محمد فاتحی^۱

Doi: 10.22034/fademo.2024.443803.1030

امیر عظیمی دولت آبادی^۲

چکیده: انقلاب اسلامی ایران بازتاب گسترده‌ای فراتر از مرزهای ایران و منطقه خاورمیانه داشته و به منطقه دوردست مغرب عربی و از جمله تونس رسیده است. تونس در سال ۱۹۵۶ استقلال خود را به دست آورد و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی غیرمذهبی‌ترین حکومت در جهان عرب بود. این کشور در اوایل دهه هفتاد میلادی با نوعی بیداری دینی روبرو شد و در اواخر این دهه با شکست سیاست‌های اقتصاد لیبرال و بروز شورش‌هایی در کشور، احساسات اسلامی شکل سیاسی به خود گرفت و گروه‌های سیاسی اسلامی شکل گرفتند که مشهورترین آنها «النهضة» بود. در دوران مبارزات انقلابیون ایران به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم تونس با نگرانی از تأثیر این انقلاب بر تونس، آشکارا به مخالفت با آن برخاست و به اسلام‌گرایان تونس برجسب «خمینیست» زد. با این حال فعالان مسلمان تونس با الهام از شیوه انقلابیون ایران و اعتراف صریح به آن، تلاش کردند فعالیت خود را گسترش دهند. انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) تأثیرات شگرفی در نگاه مخالفان و اتخاذ رویکرد مبارزه اجتماعی و فرهنگی داشت و حکومت اسلامی انقلابی ضد مستکبران به حکومت مطلوب مسلمانان تبدیل شد.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، بازتاب، نظریه پخش، تونس، النهضة.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

Fatehi2005@gmail.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

aazimii@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال اول، شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۲ | صفحات ۱۴۲-۱۱۷

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

انقلاب اسلامی ایران هم‌چون همه انقلاب‌های بزرگ دارای بازتاب‌های گسترده‌ای بوده است که نه محدود به منطقه غرب آسیا بود و نه مقید به بازه زمانی پیروزی انقلاب اسلامی. «انقلاب ایران تأثیر شگرفی در کل جهان داشته است؛ جهانی که با آن فرهنگ سیاسی و عمومی مشترک دارد، چنین فرهنگی با اسلام تعریف می‌شود» (لوئیس، ۱۳۷۸: ۲۵-۲۶). بازتاب داشتن انقلاب‌های بزرگ منوط به عواملی نظیر «داشتن ایدئولوژی فراملی»، «داشتن موقعیت راهبردی»، «اعتقاد به لزوم صدور انقلاب» و «پذیرش متخصصان، اندیشمندان، مطبوعات و رجال سیاسی» است که همه این عوامل به وضوح در انقلاب اسلامی ایران در کنار دیگر انقلاب‌های بزرگ جهان به چشم می‌خورد (خرمشاد، ۱۳۹۴: ۲۸-۴۲). ماهیت «اسلامی» انقلاب ایران، آن را از همان آغاز به یک ایدئولوژی فراملی که یک میلیارد مسلمان آن روز به دنبال تحقق آن بودند؛ تبدیل کرده بود. انقلاب ایران افزون بر تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و جامعه ایران، به فراسوی مرزها نیز حرکت کرد (Menashri, ۲۰۰۷: ۱۵۳) اما میزان تأثیرگذاری و بازتاب آن در همه‌جا یکسان نبوده و با توجه به موقعیت‌ها و شرایط، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است (Hunter, ۱۹۸۸: ۷۳۰).

از سوی دیگر این انقلاب در یکی از راهبردی‌ترین مناطق جهان رخ داد. انقلاب در کشوری متحد بلوک غرب با منابع عظیم انرژی و در همسایگی بلوک شرق. انقلاب در کشوری مسلمان اما متفاوت از بیشتر کشورهای اسلامی به لحاظ زبان و مذهب. عوامل سرزمینی و نیز اعتقادی و نژادی فوق، قدرت تأثیرگذاری انقلاب را برای قدرت‌های سیاسی حاکم بر منطقه و جهان از یک سو و برای طبقه فرودست جوامع به ویژه جوامعی با ویژگی‌های مشابه ایران قبل از انقلاب بسیار حساس ساخته بود.

بیش‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر جوامع اسلامی و همسایه بود و دولت‌ها و ملت‌ها را به واکنش ایجابی و یا سلبی واداشت. بیشتر دولت‌های اسلامی در زمان پیروزی انقلاب اسلامی، همانند نظام شاه ایران، به قدرت‌های غرب و یا شرق وابسته بودند و اساس حکومت آنها جدایی دین از سیاست بود؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی و فشار افکار عمومی در این کشورها، به تدریج این دولت‌ها اصلاحاتی را به‌رغم میل باطنی خود انجام دادند (بصیری در «خرمشاد»، ۱۳۹۴: ۲۷۲). از سوی دیگر با پیروزی انقلاب اسلامی، جنبش‌های اسلامی فعال ولی ناامید، روحی تازه یافته، فعالیت‌های خود را توسعه دادند و هم‌چنین جنبش‌ها و تشکل‌های جدیدی با تأثیرپذیری از

انقلاب اسلامی به وجود آمدند (بصری در «خرمشاد»، ۱۳۹۴: ۲۷۴). کشورهای عراق، بحرین، عربستان، عراق، فلسطین، لبنان، مصر، لیبی، الجزایر، تونس، نیجریه، سودان، افغانستان، پاکستان، مالزی، اندونزی، فیلیپین و ... به نحوی از انحاء از انقلاب اسلامی متأثر شدند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، خرمشاد، ۱۳۹۴، دکمجان: ۱۳۸۳ و ...). این تأثیرگذاری منحصر به کشورها و جنبش‌های اسلامی نبود و بر بسیاری از دولت‌های آمریکای لاتین، آفریقا و آسیای دور نیز تأثیر مستقیم و یا غیر مستقیم داشته است (خرمشاد، ۱۳۹۴: ۲۷۵).

بازتاب انقلاب اسلامی در سطوح مختلف به چهار شکل انجام پذیرفته که عبارت‌اند از: بازتاب ملموس و چشمگیر، تقویت جریان‌های سیاسی اسلامی و شتاب بخشیدن به آن‌ها، برانگیختن ایدئولوژی و تفکرات سیاسی اسلامی و فراهم آوردن دلایل و بهانه‌های لازم برای برخی از کشورها برای مهار و سرکوب جنبش‌های اسلامی مخالف (اسپوزیتو، ۱۳۹۱، ۳۳۰-۳۳۱). درباره تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای مجاور شرق و غرب ایران مطالب بسیاری نوشته شده است؛ اما همان گونه که عنوان شد تأثیر انقلاب محدود به کشورهای هم‌جوار ایران نبوده و در واقع پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد رهبران گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی سراسر جهان به ایران بیایند؛ از سران و رهبران سازمان اخوان المسلمین مصر و جماعت اسلامی پاکستان گرفته تا جماعت اسلامی هند و فیلیپین، از گروه‌هایی از افغانستان و عراق و ترکیه گرفته تا رهبرانی از الجزایر و سودان و تونس و اندونزی و لبنان و فلسطین. همه این‌ها در جستجوی این بودند تا از نزدیک ببینند که یک، چه اتفاقی و چگونه افتاده است و دوم، برای بعد از این و با الهام از اسلام سیاسی ایران چه می‌توان کرد (خرمشاد، ۱۳۸۹: ۴۵). از جمله مناطقی که بازتاب انقلاب اسلامی را از همان بدو پیروزی انقلاب تا کنون می‌توان در آنجا مشاهده کرد؛ منطقه شمال آفریقا و مغرب عربی و از آن جمله تونس بوده است.

با بروز انقلاب‌های عربی که از تونس شروع شد و به مصر و لیبی و سپس غرب آسیا سرایت کرد؛ در محافل سیاسی، رسانه‌ای و نیز علمی ایران، این موضوع مطرح شد که «این انقلاب‌ها متأثر از انقلاب اسلامی ایران هستند». مروری بر گفتارها و نوشتارهایی که این موضوع را مطرح می‌کردند؛ نشان می‌داد که یک، تحقیقی واقعی در این زمینه به ویژه در مورد «تونس» صورت نگرفته و دوم، تحولات و شعارهای انقلاب‌هایی که در ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ صورت گرفته با شعارهایی که ۳۲ سال قبل از آن اتفاق افتاده مقایسه می‌شود؛ بدون آنکه این فاصله ۳۲ ساله به ویژه در مقطع

ابتدایی آن بررسی شده باشد و سوم، به تکرار شعارهای عمومی کل مسلمانان نظیر «الله اکبر» که ویژگی عمومی هر تحول اسلامی اعم از جنگ و صلح است؛ اکتفا شده است. از این رو نویسنده بر آن شد؛ تا با بررسی جامعه، نظام سیاسی و نیز مخالفان نظام تونس در مقطع زمانی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این ادعا را بر اساس «نظریه پخش» مورد آزمون قرار دهد.

کشور تونس با جمعیتی که ۹۸٪ آن مسلمان هستند در زمان پیروزی انقلاب اسلامی تحت رهبری حبیب بورقیه و حزب سوسیالیست دستوری (دستوری‌های نوین) یکی از غرب‌زده‌ترین کشورهای عرب به شمار می‌آمد (Halliday: ۱۹۹۰: ۲۵). با توجه به ماهیت استبدادی حکومت تونس در آن زمان، به طور طبیعی جنبش‌ها و نهضت‌های زیادی در آنجا شکل گرفته بودند و هر کدام با روشی با حکومت‌های استبدادی مبارزه می‌کردند. علاوه بر دیدگاه اسلامی برخی جنبش‌ها، دیدگاه قومی (عربی-ناصری) در برخی جنبش‌ها غالب بود و البته نگاه سوسیالیستی هم برخی جنبش‌های معارض را در بر می‌گرفت. بورقیه و حزبش به عنوان رهبر جنبش استقلال از مشروعیت کاریزماتیک قابل توجهی برخوردار بودند و بر یک ساختار دولت غیرمذهبی که به شدت تحت تأثیر سوسیالیسم فرانسوی بود، کنترل داشتند. در چنین شرایطی، اسلام‌گرایان تونس به طور طبیعی بهترین محمل برای تأییدپذیری از انقلاب اسلامی ایران بودند. این مقاله در همین راستا تلاش کرده است تا به این پرسش پاسخ دهد که انقلاب اسلامی ایران چه تاثیری بر تونس، به ویژه جریان اسلام‌گرای آن گذاشت و چه موانعی در این زمینه وجود داشته است؟

الف- مبانی نظری

۱- نظریه پخش

نظریه پخش یا اشاعه^۱ یکی از نظریه‌های رایج در باب توضیح چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌ها است. هر چند خاستگاه اولیه این نظریه در رشته جغرافیای انسانی است، اما در موضوعات رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز بکار گرفته شده است.

از پخش تعاریف مختلفی صورت گرفته است. ریمون بودون در «فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی» پخش را فرایندی می‌داند که در آن اطلاعاتی درست یا غلط (مانند شایعه‌ای، عقیده‌ای،

۱ . Diffusion

نگرشی یا رفتاری) در بین جمعیتی معین فراگیر شود (بودون، ۱۳۸۵: ۱۳۳). نظریه پخش به دلیل ماهیت فرهنگی آن، قابلیت تفسیری چشم‌گیری برای نشان دادن تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر دیگر نواحی دارد (Kuper, 1915: ۲۰۳). از نظر خرمشاد اشاعه یا پخش فرایندی است که بر اساس آن یک موضوع فرهنگی شاخص جامعه، در جامعه دیگر پذیرفته می‌شود. گسترش و پذیرش یک اندیشه و نوآوری یا با انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل صورت می‌گیرد که به آن پخش جابه‌جایی می‌گویند؛ یا از طریق فردی مهم یا توالی منظم دسته‌ها و طبقات انتقال و گسترش می‌یابد که پخش سلسله‌مراتبی نام دارد. یا اینکه بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب همانند بیماری‌های مسری صورت می‌گیرد که به پخش سرایتی (واگیر) معروف است (خرمشاد، ۱۳۹۴: ۵۰-۵۱). گری‌پی فرارو (۱۳۷۹: ۵۲)، علاوه بر اکتشاف و اختراع، از جریان «اشاعه فرهنگی» به عنوان «وام‌گیری فرهنگی» در تغییر فرهنگ‌ها یاد می‌کند. وام‌گیری فرهنگی از نظر اصل «کم‌کوشی» بدان معناست که وام‌گرفتن اختراع یا اکتشاف فرد دیگری بسیار آسان‌تر است از اینکه خودمان بخواهیم آن را از اول کشف یا اختراع کنیم.

هر چند گفته می‌شود نظریه پخش در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲ هـ ش) از سوی هاگر استراند، جغرافی‌دان سوئدی ابداع و عرضه شد؛ اما در واقع این نظریه در سده‌های هجدهم و نوزدهم در مقابله نظریه تکاملی مطرح شد. توجه هر دو نظریه به سرچشمه‌های فرهنگ بشری بود. به نظر انتشار‌گرایانی همچون رابرت لوی، فرهنگ‌ها چهل تکه‌هایی از ویژگی‌هایی وام‌گرفته شده هستند و ویژگی‌های برتر مانند حلقه‌هایی که از انداختن سنگ روی آب ظاهر می‌شوند؛ از مرکز به سمت بیرون گسترش می‌یابند. حرکت این ویژگی‌های فرهنگی را می‌توان با این فرض که آن ویژگی‌هایی که در وسیع‌ترین سطح توزیع شده‌اند؛ قدیمی‌ترین هستند بازسازی کرد (مارشال، ۱۳۸۸: ۲۸۹). با این وجود کسی که با یک آزمون عملی در عرصه‌ای غیر از علوم انسانی این مدعا را آزمود؛ هاگر استراند بود. او و همکارانش با به‌کارگیری این نظریه در مورد گسترش نوآوری «پدیده‌های کشاورزی» و چگونگی گسترش «سل گاوی» در سال‌های مختلف یافته‌هایی به‌دست آوردند. بعدها این نظریه توانایی توضیح اشاعه برخی بیماری‌ها را به اثبات رساند. هرچند نقطه آغاز کاربرد این نظریه در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود؛ اما کاربرد این نظریه به سایر حوزه‌ها از جمله به عرصه فرهنگی نیز تسری یافت. این نظریه گسترش هر نوع نوآوری فکری یا فیزیکی را تبیین می‌کند و علل توقف آن و علل گسترش مجدد آن و

نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می‌دهد (برزگر، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۴).

بدین ترتیب می‌توان گفت نظریه پخش در صدد بیان چگونگی انتشار یک پدیده یا ایده در محیط پیرامونی شکل‌گیری آن است و توانسته در بسیاری مطالعات آزمون نظریه سربلند بیرون آید. این مقاله درصدد است؛ با کمک نظریه پخش یا اشاعه، بازتاب «انقلاب اسلامی» را در کشور «تونس» به‌عنوان یکی از محیط‌های دور ایران بسنجد و ببیند آیا تونس‌ها در دوران انقلاب اسلامی و پس از آن، از این انقلاب وام‌گیری کامل و یا گزینشی داشته یا توجهی بدان نداشته‌اند؟ در این میان آنچه اهمیت بسیار دارد، موضوع پخش است که کدام یک از اندیشه‌ها، شخصیت‌ها، آرمان‌ها و یا روش‌های انقلابیون برای تونس‌ها جذابیت داشته و تلاش کرده‌اند از آن الگو بگیرند.

۱-۱- مبدأ پخش؛ انقلاب اسلامی ایران

منظور از انقلاب اسلامی، رویدادی است که در اواسط سال ۱۳۵۶ آغاز و در سال ۱۳۵۷ در ایران به رهبری امام‌خمینی با براندازی نظام سلطنتی شاه، به پیروزی رسید و با وجود حضور گروه‌ها و جریان‌های مختلف، وجه دینی و اسلامی بودن آن غالب بوده است. ویژگی‌ها و وجه غالب این انقلاب در همان شعار اصلی انقلاب اسلامی و برگزیدن نوع نظام پس از پیروزی خلاصه می‌شد که عبارت‌اند از: طلب استقلال و به تبع استکبار ستیزی، آزادی و رهایی از استبداد و جمهوری اسلامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی. «انقلاب ایران خواسته شدید اسلام‌گرایان را برانگیخت و درک آن‌ها از حکومت‌داری را تقویت کرد. تمایل به حکومت کلان که همیشه به شکل ضمنی در گرایش‌های اسلامی معاصر وجود داشت؛ بالاخره محقق شد و این تمایل آرمان‌شهری از سطح خواسته‌ها گذشت و به مرحله عمل رسید انقلاب ایران نه فقط بر حرکت‌های اسلامی تأثیر گذاشت؛ بلکه جهان عرب و حتی تمام جهان را به لرزه درآورد» (الهرمسی، ۱۹۹۹: ۱۳۲).

۱-۲- موضوع پخش

آنچه در پخش یک ایده و نوآوری بیشترین اهمیت را دارد؛ موضوع پخش است که جاذبه‌های

آن باعث انگیزه اخذ آن در جامعه مقصد پخش می‌شود. موضوع پخش انقلاب اسلامی طیف وسیع و متنوعی از انواع تأثیرات را تشکیل می‌دهند: لباس و پوشاک اسلامی و متناسب با فرهنگ بومی (دشداشه و چفیه) بر اساس انتخاب گزینشی، حضور بیشتر جوانان در مساجد، تغییر محتوای سخنرانان مذهبی، عدالت‌طلبی، تأسیس سازمان‌های مذهبی و مبارزه، فعال شدن سازمان‌های پیشین، توجه جدی‌تر به نقش سیاسی دین، الهام‌گیری از تاکتیک‌های مبارزاتی انقلاب اسلامی، بیان مطالبات اجرای شریعت اسلامی و احترام به شعائر مذهبی، بیداری اسلامی و اعتماد به نفس سیاسی، شعار نه شرقی نه غربی، استقلال در سیاست خارجی، ترویج ایده مبارزه با اسرائیل، ایده وحدت اسلامی مسلمانان، توسعه ایده وحدت شیعه و سنی، ایجاد جامعه و دولت اسلامی و ... همه یا بخش‌هایی از این‌ها جاذبه‌هایی برای ملت‌های مسلمان ایجاد کرده بود که فراگیری و اجرای آنها (که متناسب با جامعه خود بود) در جامعه خود را در دستور کار مبارزاتی خود قرار دهند.

عناصر اساسی انقلاب اسلامی که مورد توجه سلبی یا ایجابی فعالان سیاسی کشورهای عربی قرار گرفته است: یک. ولایت فقیه؛ دو. محوریت روحانیون در عمل سیاسی؛ سه. روحیه ایثار، شهادت، مقاومت، مبارزه و ظلم‌ستیزی؛ چهار. هویت دینی دادن به مبارزات؛ پنج. فرهنگ سیاسی و روش‌های فرهنگی و تبلیغاتی؛ شش. وحدت اسلامی (برزگر، ۱۳۹۱؛ ۷۶-۷۹)؛ هفت. قیام مستضعفین علیه مستکبرین؛ هشت. اتخاذ سیاست نه شرقی، نه غربی.

۱-۳- مقصد پخش

مقصد پخش در این مقاله، کشور تونس است. تونس کوچک‌ترین کشور شمال آفریقا و منطقه مغرب عربی با مساحت ۱۶۳,۶۱۰ کیلومتر مربع است و زبان رسمی این کشور عربی و دین رسمی آن، اسلام و مذهب تسنن (مالکی) است. ۹۸٪ از جمعیت حدود ۱۳ میلیونی تونس مسلمان و بقیه مسیحی یا یهودی هستند.

تونس که قرار بود یک جامعه غرب‌گرا باشد که به پیشبرد غرب کمک کند و آرمان‌های لیبرال را ترویج دهد، (Merrick 2018: 82) در اوایل دهه هفتاد میلادی غیرمذهبی‌ترین حکومت در جهان عرب تلقی می‌شد، اما با نوعی بیداری دینی عمومی روبرو شد و در اواخر این دهه

احساسات اسلامی شکل سیاسی به خود گرفت و گروه‌های سیاسی اسلامی شکل گرفتند که مشهورترین آنها «حرکه‌ ال‌اتجاه‌ الإسلامی» به رهبری راشد‌ الغنوشی بود که بعدها با نام «النهضة» مشهور شد. تونس اولین کشوری بود که حوادث موسوم به بهار عربی یا بیداری اسلامی در آن رخ داد و در ۲۴ دی ۱۳۸۹ نظام بن‌علی را از قدرت به زیر کشید.

۱-۴- موانع پخش

روابط ایران با مغرب عربی ویژگی‌هایی دارد که آن را متمایز از روابط ایران با مشرق عربی می‌کند. بعضی از این کشورها ایران را دشمنی دیرینه می‌دانند که خطر آن از «اسرائیل» که خطری موقت و بی‌ریشه است بیشتر است؛ چرا که در حافظه جمعی آنها، ایران در تلاش برای احیای «امپراتوری فارسی» است که اقصی نقاط جهان عرب را تهدید می‌کند و نه فقط فلسطین را. موضوع دیگر شیعی بودن ایران است که البته وجود شیعیان در تاریخ این کشورها سابقه دارد (الزاوی، ۲۰۱۰: ۱۸۹).

اگر ایران به عنوان مرکز پخش انقلاب و مؤلفه‌های مؤثر در پیروزی آن در نظر گرفته شود و مکان‌ها و مقاصد پخش را کشورهای عربی و آفریقایی در نظر گرفته شود؛ در این صورت امواج پخش وارد محیطی می‌شود که بعضی از این محیط‌ها پذیرا و بعضی ناپذیرا است. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و هم‌گرایی و عوامل ناپذیرا موجب تأثیرپذیر نبودن از پیام‌های انقلاب اسلامی و واگرایی از آن می‌شوند (رفع‌پور، ۱۳۷۶: ۸۸). این ناپذیری یا موانع، بعضی در عناصری از روانشناسی سیاسی قابل تفسیر است. شکاف عربی-عجمی یا عربی-ایرانی، شکاف سنی-شیعی و شکاف زبان فارسی-عربی از موانع پخش امواج انقلاب اسلامی است (برزگر، ۱۳۹۴: ۵۵). به این موانع باید مانع تقابل سکولار-دینی و نیز مقاومت‌گرایی-غرب‌گرایی را نیز اضافه کرد. اگر موانع اولیه، در دل همدلان وجود داشت و در آنها ایجاد شک و دودلی می‌کرد، موانع نوع دوم از سوی حکومت‌ها و نظام جهانی ایجاد می‌شد و هر دو با هم سدهایی ایجاد می‌کردند که تنها امواج اندکی قادر بودند از این سدها عبور کرده، منشأ تأثیر شوند.

عامل زمان هم می‌تواند به عنوان مانع بزرگ دیگری در جلوگیری از انتشار ایده انقلابی مطرح شود. برخی بر این اعتقادند که بازتاب‌های انقلاب اسلامی و به تعبیر فولر «تأثیر رفلکسی

۱۲۴

انقلاب» (فولر، ۱۳۷۳: ۱۵۳)، تنها در نخستین سال‌های آن بسیار گسترده و فزاینده بوده و پس از آن به تدریج، با گذشت زمان شعاع این اثرات محدودتر شده است. این موضوع ضمن آن که جنبه‌هایی از واقعیت را در خود دارد، نمی‌تواند کامل درست باشد و هم‌اکنون نیز هم در جریان انقلاب‌های عربی و هم تحولات کنونی دیدگان بسیاری از ملت‌ها به سمت ایران است. با این وجود و در نهایت می‌توان گفت امواج انقلاب اسلامی در تونس وارد محیطی می‌شود که بر اساس تقسیم‌بندی انواع محیط در نظریه پخش، محیطی ناپذیرا است. در ادامه تلاش می‌شود؛ ضمن اشاره به وضعیت تونس در دوران مبارزات انقلابی ملت ایران، تأثیر انقلاب اسلامی با ویژگی‌هایی که ذکر شد؛ بر اجزای مختلف جامعه و نظام تونس بررسی شود.

ب- بدنه اصلی مقاله

۱- وضعیت تونس در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی

وضعیت فرهنگی-اجتماعی تونس در دوران پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، متأثر از اقدامات فرهنگی حبیب بورقیه در دهه‌های قبل بود. منع روزه‌داری در ماه رمضان، انتقاد از عید قربان و حج به بهانه هدر رفتن ارز کشور، منع حجاب، تصویب قانون احوال شخصیه و گنجاندن مفاد ضداسلامی در آن، از جمله اقدامات ضد دینی در زمان بورقیه در کشور بود. بورقیه در سال ۱۳۵۳ هـ ش تمام معجزات قرآنی را منکر گردید و اسلام را از دلایل عقب ماندگی کشور دانست. از سوی دیگر سیاست‌های اقتصادی اواخر دهه ۷۰ میلادی نیز رو به شکست بود. در سال ۱۳۵۶ هـ ش، بیش از ۲۲٪ جمعیت تونس زیر خط فقر زندگی می‌کردند و بیکاری در میان جوانان افزایش یافته بود (Salem, 1988: ۱۵۵) و موفقیت مدل سوسیالیست فرانسوی توسعه ملی ابتدا از سوی احزاب چپ و سپس از سوی جنبش روبه رشد اسلام‌گرایی زیر سؤال قرار گرفته بود (دکمجیان: ۳۶۵).

۲- انقلاب اسلامی و نظام حاکم بر تونس

در دوران مبارزات انقلابیون ایران به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم تونس با نگرانی از تأثیر این انقلاب بر تونس، آشکارا به مخالفت با ایران برخاست و به اسلام‌گرایان تونس

برچسب «خمینیست» زد در حالی که جنبش اسلام‌گرای تونس ضمن اعتراف به تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی، اعتراضات را واکنشی به‌طور کامل بومی به مشکلات داخلی تونس می‌دانست (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

نظام تونس در تلاش برای مهار حرکت‌هایی که متأثر از انقلاب اسلامی ایران، فعالیت خود را گسترش داده بودند اقدامات اطلاعاتی و امنیتی خود را افزایش داد و در دسامبر ۱۹۸۰ موفق شد اسناد زیادی از جنبش اسلامی به دست آورد که در میان آن‌ها مطالبی درباره ارتباط اعضای جنبش با انقلابیون ایران بود. هم‌چنین با کشف یک چک بانکی که یکی از اعضای جنبش به نام «حیب مکنی» از ایران دریافت کرده بود؛ درگیری‌ها و محاکمات گسترده‌ای علیه جنبش به راه افتاد و جنبش به وابستگی به ایران متهم شد؛ این در حالی بود که وی چک بانکی را برای فروش دو هزار نسخه از کتاب مجموعه مقالات غنوشی به مرکز اسلامی رُم که از سوی ایران حمایت می‌شد، دریافت کرده بود (علانی، در «جمعی از نویسندگان»، ۱۳۹۳: ۲۱۸). هم‌چنین نخست وزیر و دبیرکل وقت حزب حاکم، محمد مزالی ضمن انتقاد از مواضع حزب الاتجاه الاسلامی در قبال ایران اظهار داشت: «خدا را شکر که ما در تونس خمینی نداریم و علاوه بر این ما سنی هستیم و مانند ایران، شیعه نیستیم» (علانی، در «جمعی از نویسندگان»، ۱۳۹۳: ۲۱۸). بدین ترتیب نظام حاکم بر تونس که تلاش کرد به مقابله سیاسی و مذهبی با پذیرش اندیشه‌های انقلابی ایران از سوی مخالفان به ویژه اسلام‌گرایان برخیزد به عنوان مانع برای جذب این اندیشه‌ها و روش‌ها عمل کرده است.

۱۲۶

اما نظام تونس در اواخر دوران بن‌علی رابطه‌ای دوستانه و رسمی با جمهوری اسلامی برقرار کرده بود و به فعالیت‌های شیعیان تونسی واکنشی سلبی نشان نمی‌داد. بعد از انقلاب یاسمین، موضوع ایران و نقش آفرینی / دخالت آن همواره یکی از مباحث محافل سیاسی تونس و به ویژه اسلام‌گرایان و النهضه بوده است. این موضوع تا اندازه‌ای اهمیت یافت که برخی اسلام‌گرایان نقش ایران را به حدی پررنگ کرده‌اند که قیس سعید، رئیس جمهور کنونی تونس را دست‌نشانده ایران می‌دانند (مرزوقی، ۱۳۹۸). این بدان معناست که اسلام‌گرایان تونس که زمانی پذیرای اصلی اندیشه‌های انقلابی ایرانی‌ها بودند؛ این بار با رویکرد مذهبی (سنی - شیعی) ضمن اعتراف به نقش و قدرت ایران، به عنوان مانع پخش عمل می‌کنند.

۳- انقلاب اسلامی و اسلام‌گرایان تونس

با توجه به اهمیت جنبش اسلام‌گرای النهضه در فضای دینی و سیاسی تونس و سایه سنگینی که این جنبش بر سر دیگر جریان‌های اسلام‌گرا نظیر «جنبش التحریر» و «اسلام‌گرایان ترقی‌خواه» انداخته است؛ برای نادیده گرفته نشدن دیگر جریان‌های اسلامی، ابتدا اشاره‌ای کوتاه به تأثیرات انقلاب اسلامی بر آنها داشته و سپس النهضه را مستقل از دیگر اسلام‌گرایان مورد بررسی قرار داده می‌شود.

وحدت جهان اسلام رویکردی بود که از سوی رهبران انقلاب به‌ویژه امام خمینی (ره) دنبال می‌شد و «سناریوی نزدیکی بین جهان سنت و تشیع، پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران از سر گرفته شد. آیت‌الله خمینی تلاش کرد با زبان مودت با اهل سنت سخن گوید و پیروان خود را به نماز گذاردن پشت امام سنی توصیه می‌کرد» (علانی، ۱۳۹۵: ۱۷). با این رویکرد ابتدا «جنبش‌های اسلامی سنی از انقلاب ایران غافلگیر شدند و اخوان المسلمین در تأیید این انقلاب تردید کرد و به رهبران انقلاب اتهامات خطرناکی را نسبت دادند؛ ولی بعدها از این مواضع خود عقب‌نشینی کرده، هیأت مهمی را به تهران فرستادند تا پیروزی انقلاب را به امام خمینی تبریک بگویند» (جورشی در «جمعی از نویسندگان»، ۱۳۹۳، ۴۵-۴۶).

یکی از مجموعه‌های اسلام‌گرا که به دلیل اختلاف نظر با سازمان النهضه (جماعت اسلامی در آن زمان) بر سر الگوگیری از انقلاب اسلامی از آن جدا شده بودند؛ فعالان گروه «اسلام‌گرایان ترقی‌خواه» بودند. آن‌ها کسانی بودند که مستقیم از اندیشه‌های جامعه‌شناسانه اسلامی دکتر علی شریعتی و نیز آثار حسن حنفی درباره ارتباط عقیده با انقلاب اجتماعی و فرهنگی و دیگر منابع فکری تأثیر پذیرفتند (جلیدی در «جمعی از نویسندگان»، ۱۳۹۳: ۱۷۷). دانشجویانی که به دنبال رهبری ایدئولوژیک بودند؛ هدف عالی خود را در اندیشه‌های «سید محمد باقر صدر» و «علی شریعتی» می‌دیدند (علانی، ۱۳۹۵: ۳۹). بدین ترتیب از مهم‌ترین منابع تفکر اسلام‌گرایان ترقی‌خواه اندیشه‌های شریعتی و نیز برخی نوشته‌های آیت‌الله طالقانی و حتی ادبیات جنبش مجاهدین خلق و سخنان و نوشته‌های جریان لیبرال شیعه مانند بنی‌صدر و بازگان بوده است (جورشی، ۲۰۰۰: ۶۳). «اسلام‌گرایان ترقی‌خواه» معتقد بودند انقلاب اسلامی، در گامی برای ایجاد اصلاحات مهم در اندیشه سیاسی و روش کار در بین جنبش‌های اسلامی در تونس است بدون آنکه به اتخاذ فرهنگ شیعه منتهی شود و تفاوت و اختلاف مذهبی هم‌چنان قوی

است (علانی، ۱۳۹۵: ۵۸).

دانشجویان اسلامی دانشگاه‌ها دیگر جریانی بودند که بدون سازماندهی خاصی از گفتمان انقلاب اسلامی حمایت می‌کردند و در جلسات و تریبون‌های دانشگاه مباحثاتی به‌طور عمده در دفاع از انقلاب اسلامی و انطباق نظام ولایت فقیه با دموکراسی داشتند. آنها جلسات خود را به‌طور عمده با ادبیات الهام گرفته از انقلاب اسلامی ایران یعنی «بسم الله القاصم الجبارین و ناصر المستضعفین» آغاز می‌کردند و حاضران فریاد «نه شرقی، نه غربی» سر می‌دادند (علانی، ۱۳۹۵: ۷۸). در دانشگاه‌های تونس، نخستین نشریه اسلام‌گرایان، نشریه دیواری «رویداد» (الحدث) بود که در سال تحصیلی ۱۳۵۸-۱۳۵۹ روی تابلوی دانشگاه قرار گرفت و شامل اخبار و تحلیل‌هایی می‌شد که ویژگی بارزش نقد شدید سیاست نظام حاکم و جریان چپ بود. هم‌چنین نخستین تحریک مردمی که دانشجویان عضو «حرکت اتجاه اسلامی» به راه انداختند؛ جشن پیروزی انقلاب اسلامی در همان سال بود (علانی، ۱۳۹۵: ۴۰ و ۷۸).

از تابستان ۱۳۵۹ اسلام‌گرایان تلاش کردند؛ خطوط اصلی طرحی را تهیه کنند که با آن بر دانشگاه مسلط شوند. این طرح «استراتژی اقدام دانشجویی» نام گرفت که جمع بین تفکر حرکتی سید قطب و روش ایرانی تغییر و انقلاب بود. در این طرح، دانشجویان اسلام‌گرا معتقد بودند؛ الگوی ایرانی، الگویی است که در عرصه رهبری انقلابی باید از آن پیروی کرد. عللی که امام خمینی را رهبری مردمی کرد، ثبات او در مواضعش بود (علانی، ۱۳۹۵: ۷۹).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ایده برپایی حکومت اسلامی تبدیل به خواسته اصلی «حزب التحریر» شد. جنبش «اتجاه اسلامی» (النهضة) علاقه‌ای به برپایی حکومت اسلامی از طریق جهاد نداشت و این موضع، ناخرسندی تعدادی از اعضای آن را که خواستار ایجاد فوری حکومت اسلامی بودند؛ در پی داشت و برخی از جنبش جدا شده، اقدام به تأسیس هسته‌های سازمانی وابسته به حزب التحریر اسلامی کردند که مقر آن در اردن بود. رویکرد این حزب استفاده از زور برای براندازی نظام در مسیر برپایی حکومت اسلامی بود و داعیه ضرورت بازگشت خلافت را در سر داشت. پیروان این حزب در تونس شهروندان عادی و برخی نظامیان بودند (علانی، ۱۳۹۵: ۱۴۴). این جنبش با وجود آن که هنوز در عمل در تونس حضور دارد؛ هیچ‌گاه نتوانسته بر فضای سیاسی و اجتماعی تونس تأثیر زیادی داشته باشد. در مجموع، فضای اسلام‌گرایی که از اوایل دهه ۷۰ میلادی در تونس شکل گرفته بود، زمینه ورود اندیشه‌ها و

۱۲۸

روش‌های انقلاب ایران را به وجود آورده بود.

۳-۱- انقلاب اسلامی و جنبش النهضه تونس

در اوایل دهه پنجاه شمسی شیخ راشد غنوشی و عبدالفتاح مورو که بزرگان النهضه بوده و هستند به جمعیت حفاظت از قرآن کریم پیوسته تا هفت سال بدین صورت فعالیت می‌کردند ولی با فشار حکومت از آن اخراج شدند. آنها به همراه تنی چند از دیگر اسلام‌گرایان در سال ۱۳۵۸ «جماعت اسلامی» را تأسیس کردند. در سال ۱۳۶۰، نام «اتجاه اسلامی» برای این جنبش انتخاب شد و بیش از ده سال بعد زمانی که زین‌العابدین بن علی فعالیت احزاب با عناوین دینی را ممنوع کرد؛ نام «النهضه» برای جنبش انتخاب شد تا بتواند مجوز فعالیت سیاسی بگیرد، امری که البته محقق نشد.

جنبش اخوان المسلمین مصر اولین مرجع گروه «جماعت اسلامی» در تونس به‌شمار می‌رود و این ارتباط در عمل با بیعت راشد غنوشی و پس از او حمیده النیفر با اخوان تأیید شد؛ اما با ظهور انقلاب اسلامی ایران به رهبری یک شخصیت دینی انقلابی، نفوذ اخوان به تدریج کاهش یافت و راه برای روش‌های سازمانی و فکری انقلابی آیت الله خمینی باز شد (الزعیری، ۲۰۱۱). مهرضیه لیبی که بعدها یکی از نمایندگان النهضه در پارلمان شد درباره الهامات فکری متأثر از انقلاب اسلامی ایران در آن زمان می‌گوید: «شوق انقلاب ایران در من وجود داشت. من آن زمان دانشجو بودم و مجذوب آن شدم! بسیاری از افراد در نسل من نیز که کتاب‌های حسن البنا و اخوان المسلمین مصر را خوانده بودند مجذوب آن شده بودند» (Netterstrom, ۲۰۱۷: ۱۰۴). پیروزی انقلاب اسلامی به این جنبش کمک کرد؛ بتوانند دین را فعال و تبدیل به یک ایدئولوژی انقلابی کنند. این جنبش با الگوبرداری از انقلاب ایران، از ذخایر اعتقادی و دینی نهاده شده در دل‌های مردم که پیوند دهنده مستحکم اجتماعی و معنوی و مهم‌ترین ذخیره آدمی در مواقع بحرانی است، بهره برداشت و آن را به کار بست (وریمی^۱ در «جمعی از نویسندگان»، ۱۳۹۳: ۱۴۹). سه عامل در سیاسی شدن جنبش نقشی اساسی داشتند: سیاست‌های ضد دینی بورقیه، وقوع

۱۲۹

۱. با زندانی شدن شیخ راشد در بهار ۱۴۰۲، عجمی وریمی در زمستان ۱۴۰۲ به عنوان دبیر کل النهضه انتخاب شده است.

کشمکش بین اتحادیه مشاغل تونس و دولت و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (محمد، ۲۰۱۳: ۲۲-۲۳). شخصیت امام خمینی به سرعت در اندیشه رهبران اسلام‌خواه تونس از جمله شیخ راشد الغنوشی، سرایت کرد و از طریق سلسله مراتبی در میان توده‌های مردم مسلمان پخش شد (تلاشان و دهبیری، ۱۳۹۳: ۷۵۲). بازتاب اولیه انقلاب اسلامی در ایران، منجر به مناقشات جدی تجدید نظرطلبانه در ساختار و فکر در داخل النهضه شد؛ ولی با مقاومت ساختار و سازمان که با دیدگاهی مبتنی بر مذهب سنی و با تردید در مقابل تغییر مقاومت می‌کرد، گروهی با عنوان «اسلام‌گرایان مرفقی» از آن جدا شدند که به آن اشاره شد؛ اما با وجود این مقاومت، در نهایت غنوشی و رهبران النهضه که با بازخوانی افکار سید قطب، حسن البنا و مودودی به فعالیت سیاسی پرداخته بودند، با دیدگاهی باز به قرائت دیدگاه‌های نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی ایران مانند مرتضی مطهری و علی شریعتی و نیز محمد باقر صدر عراقی روی آوردند (الزعبیری، ۲۰۱۱). این فرصتی بود تا جنبش «اتجاه اسلامی» به ادبیات سیاسی شیعه توجه کرده و قطع ارتباط با شیعه را به اقتضای شرایط کنار گذاشته و اصطلاحاتی جذاب از نوع «انقلاب مستضعفین علیه استکبار جهانی» را مورد استفاده قرار دهد. بدین ترتیب با وقوع انقلاب اسلامی النهضه و دانشجویان اسلام‌گرای دانشگاه‌ها، «گفتمان اسلامی» را پس از آنکه از فقر اصطلاحی خجالت‌آوری در برابر ادبیات مارکسیستی رنج می‌برد احیا کردند (جلیدی در «جمعی از نویسندگان»، ۱۳۹۳: ۱۸۶).

اولین همایش نهضت اسلامی در تونس که در حومه شهر منوبه برگزار شد هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی ایران به رهبری آیت الله خمینی بود که اسلام‌گرایان تونس، پیروزی این انقلاب را جشن گرفتند و حمایت مطلق خود را از آن اعلام کردند (الزعبیری، ۲۰۱۱).

راشد الغنوشی حمایت کامل خود را از انقلاب ایران مخفی نکرد و بیان نمود؛ در گذشته تجربه‌هایی در ایجاد هماهنگی میان شیعه و سنی در ایام حسن البنا وجود داشته است (غنوشی، ۱۳۸۹). در همین دوران شیخ راشد اظهار می‌دارد: «ما در انقلاب ایران، یک پیرمرد عمامه به سر را دیدیم که توانست انقلاب مستضعفین را علیه نظامی مستبد و مزدور امپریالیسم و علیه طبقه سرمایه‌دار متعفن رهبری کند. مهم‌ترین چیزی که انقلاب ایران به ما آموخت، مقوله درگیری میان مستضعفان و مستکبران بود که بیان دیگری از نزاع میان فقرا و ثروتمندان در تضاد طبقاتی است، ولی در یک چارچوب گسترده و فراگیر اسلامی و با اصطلاحات و ادبیات سیاسی» (غنوشی، ۱۳۸۹).

جنبش النهضه (جماعت اسلامی) در مقالاتی که در سال ۱۳۵۸ در مجله المعرفة (به عنوان ارگان رسمی جنبش) به چاپ می‌رسانید؛ تأیید کامل خود را از انقلاب ایران از زمان شکل‌گیری اولین شعله‌های آن اعلام نمود، بلکه حتی جنبش‌های اسلامی‌ای که نسبت به انقلاب ملاحظاتی داشتند را مورد انتقاد قرار داد و «خط استوار و سازش‌ناپذیر امام خمینی» را تأیید کرد. این مجله در ۹ شماره خود به انقلاب ایران پرداخت و این با توجه به آن‌که این مجله ماهانه چاپ می‌شده بسیار زیاد است. هم‌چنین دوازده مقاله و دو سرمقاله و چهارده تصویر که شش مورد از آن مربوط به تصاویر آیت‌الله خمینی بوده است؛ به این انقلاب و رهبران آن اختصاص داده شده است (نالوتی، ۱۹۸۰: ۸۱).

پس از توقیف این مجله در سال ۱۳۵۸، النهضه مجله دیگری به نام «جامعه» (المجتمع) راه‌اندازی کرد ولی آن هم در همان سال تعطیل و مجله دیگری به نام «الحیب» منتشر شد. در مجله «حیب» نیز مقالاتی درباره انقلاب اسلامی و ستایش نمادهای آن منتشر می‌شد و لذا از این مجله نیز فقط دو شماره در تاریخ ۱۹ و ۲۶ دی ۱۳۵۹ منتشر شد و با مداخله عربستان و آمریکا بسته شد (القصر، ۱۹۸۲: ۳۱). تیراژ مجله در سال آخر انتشار آن افزایش چشم‌گیری یافت که به دو عامل بازمی‌گشت: نخست انتشار مقالاتی در تأیید انقلاب اسلامی ایران و دوم تنوع خوانندگان و رواج یافتن آن در میان دانش‌آموزان و دانشجویان (علانی، ۱۳۹۵: ۴۸).

در یکی از مقالات مجله المعرفة، نویسنده عباراتی در تمجید از امام خمینی بدین صورت به کار می‌برد: «ای خمینی! عمامه تو ما را وادار ساخت سرهایمان را بالا بگیریم، افتخار کرده و آشکارا اعمال اسلامی‌مان را انجام دهیم... عمامه تو اعتبارش را دوباره به‌دست آورده و هیبت امامت را به آن بازگردانده است» (ابوعمد، ۱۹۷۹: ۴۷). برخی اسلام‌گرایان امام را مصلح منتظر این امت دانسته و به این حدیث نبوی استناد می‌کردند که خداوند در هر عصری کسی را می‌فرستد که این دین را احیا کند: «ایران کنونی با رهبری آیت‌الله خمینی، رهبر بزرگ مسلمانان، مأمور حمل پرچم اسلام در سرتاسر جهان با تمامی وضوح و قدرت و عزت است» (ابویوسف، ۱۹۷۹: ۱۹). در دهه هفتاد به‌خاطر پیگردهای امنیتی نظام، جماعت اسلامی اقدام به تغییر ساختار و سازمان کرد. راشد الغنوشی برای تشکیل سازمان مخفیانه جنبش نیز به امام خمینی و حسن البناء استناد می‌کند [امام] خمینی هم سازمان مخفیانه خود را داشت و حسن البناء هم این‌گونه بود» (علانی، ۱۳۹۵: ۴۲).

۱۳۱

با فشارهای حکومت به ویژه زمانی که نظام بورقیه در آذر ۱۳۵۹ به اسنادی علیه اسلام‌گرایان دست یافت؛ جنبش اسلامی در یک کنفرانس مطبوعاتی در خرداد ۱۳۶۰ تأسیس یک حزب به نام «الاتجاه الإسلامي» به ریاست راشد غنوشی و دبیر کلی عبدالفتاح مورو اعلام کرد. در آن کنفرانس بحث‌های زیادی درباره ارتباط آنها با انقلاب اسلامی مطرح شد و رهبران جنبش تلاش کردند به سؤالاتی که ممکن بود به محکومیت بعضی اقدامات انقلابیون ایران منتهی شود، یا پاسخ نداده یا آن را دور بزنند (علانی در «جمعی از نویسندگان»، ۱۳۹۳: ۲۱۶).

شیخ راشد در جایی اشاره می‌کند که در اندیشه سیاسی خود متأثر از انقلاب اسلامی ایران نیز بوده و گفته: «برای ما انقلاب ایران در زمان بسیار مهمی اتفاق افتاد، زیرا ما قصد داشتیم علیه اندیشه سنتی اسلامی که از مشرق به ما می‌رسید و نزاع درون جامعه را فقط در یک بعد خلاصه می‌کرد، به پا خیزیم» (غنوشی، ۱۳۸۹: ۱۲). غنوشی در مقاله‌ای تحت عنوان «قادة الحركة الإسلامية المعاصرة»، در فروردین ۱۳۵۸ (که در مجله المعرفة منتشر و سپس در مجموعه مقالاتش به چاپ رسید) به ارزیابی فهرست‌وار سه گرایش عمده در حرکت اسلامی معاصر (اخوان المسلمین، جماعت اسلامی پاکستان و انقلاب اسلامی ایران) پرداخته و در جمع‌بندی نهایی آن روش امام خمینی (ره) را بر دیگر روش‌ها برتر دانسته و معتقد است برای پیروزی انقلاب، راهی جز این نیست (الغنوشی، ۱۳۶۹: ۱).



شیخ راشد در مقدمه چاپ اول کتاب خود که به نام «آزادی های عمومی در حکومت اسلامی» در ایران منتشر شده است؛ آن را به شخصیت های برجسته معاصر دنیای اسلام اهدا کرده است: «این کتاب را به همه کسانی که بر من و امت اسلامی و بشریت منت دارند و در کار اسلام و احیای حق و عدالت می کوشند، اهداء می کنم. به پیشگامان مکتب اسلام و در رأس آنان جمال الدین افغانی، محمد عبده و رشیدرضا... و به پدران معنوی ام و پیشاپیش همه، شهید حسن البنا، مولانا ابوالاعلی مودودی، استاد مالک بن نبی، رهبر انقلاب اسلامی معاصر امام خمینی، علامه شهید محمدباقر صدر...» (خسروشاهی، ۱۳۸۹). هم چنین شایان ذکر است عمده ترین اتهام راشد الغنوشی در آخرین محاکمه که با حکم حبس ابد روبرو شد، دفاع وی از امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران در نشریه «المعرفه» ارگان رسمی سازمان «الاتجاه الاسلامی» بود... و عجیب آن که تنها سند دادگاه برای اثبات ارتباط غنوشی با ایران اسلامی، خرید چندین نسخه از کتاب وی «مقالات» چاپ پاریس، توسط سفارت ایران در واتیکان - بود... در صورتی که سفارت این کتاب را، از ناشر کتاب «الکروان» پاریس برای توزیع بین جوانان عرب مسلمان در ایتالیا و ارسال به بعضی از انجمن های اسلامی در اروپا خریده بود و هزینه آن هم فقط بیست هزار فرانک فرانسه بوده که مطبوعات وابسته به دولت آن را رقمی معادل دویست هزار دلار نامیدند (خسروشاهی، ۱۳۸۹).

در مجموع، انقلاب اسلامی ایران و اندیشه های امام خمینی (ره) تأثیرات شگرفی در نگاه الغنوشی به شیوه مبارزاتی برضد حکومت وقت تونس و اتخاذ رویکرد مبارزه اجتماعی و فرهنگی در این مسیر داشت و حکومت اسلامی انقلابی ضد مستکبران به نوعی حکومت مطلوب النهضه تلقی می شد (درخشه و زینالی، ۱۳۹۶: ۵۵). فعالیت گسترده اسلام گرایان به ویژه در دانشگاه ها با واکنش نظام حاکم مواجه شد و رهبران این جنبش را در تابستان ۱۳۶۰ به پای میز محاکمه کشاند و به زندان های ۱۰ و ۱۱ ساله محکوم کرد. با اندکی اغماض می توان گفت؛ این زندان مقدمه ای برای پایان نگاه جنبش به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بود؛ چرا که هنگامی که دو سال بعد این رهبران به تدریج از زندان آزاد شدند، جنبش شاهد حضور برخی شخصیت های وهابی در درون خود بود و آنها نیز با حمایت حکومت به تدریج جنبش را به سوی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس سوق دادند و درعمل این جنبش پس از ۱۳۶۶ بر مواضع دوستانه و نزدیک خود با انقلاب ایران باقی نماند (علانی در «جمعی از نویسندگان»

رابطه جنبش با ایران در دهه ۹۰ بدتر هم شد و تا حد قطع روابط پیش رفت و حتی از ورود غنوشی به ایران برای حضور در سازمان کنفرانس اسلامی ممانعت شد. غنوشی انگیزه‌های این ممانعت را فشارهای نظام تونس بر ایران و ترجیح ایران به تفکر درباره منافع ملی به جای حمایت از جنبشی ستم‌دیده در قبال اعطای آزادی نظام تونس به شیعیان برای فعالیت عنوان می‌کند (الشروق، ۲۰۰۸). در این دوران روابط ایران و تونس توسعه یافته؛ در حالی جمعیت «آل البیت» شیعی آزادانه در تونس فعالیت می‌کرد که جنبش النهضه تحت شدیدترین فشارها بود (بشاره، ۲۰۱۳: ۳۴۷). تأثیر توسعه روابط دو دولت ایران و تونس باعث شد که پس از انقلاب یاسمین تونس و قدرت گرفتن النهضه و شیخ راشد غنوشی، وی هیچ‌گاه به دعوت مؤسسات ایرانی برای حضور در ایران پاسخ مثبت ندهد و با وجود آن که سفرهای ماهانه وی به ترکیه کم‌وبیش قطع نمی‌شد هیچ‌گاه به ایران نیاید. البته حضور وی در مراسمات رسمی سفارت و ملاقات با مقامات ایرانی در تونس و یا سفر اعضای بلندپایه النهضه به ایران نیز قطع نشد.

۳-۲- انقلاب اسلامی و شیعیان تونس

در دوران مبارزات انقلابی، اخبار مبارزات شیعیان علیه نظام استبدادی شاه، باعث بروز برخی انگیزه‌ها برای شناخت این مذهب شده بود. در همین دوران، شخصی به نام «محمد تیجانی السماوی» با شناخت افکار و عقاید شیعی، شیعه شد و با نگارش کتاب «ثم اهتدیت» (آنگاه هدایت شدم) ضمن آن که باعث بروز برخی حساسیت‌ها در جامعه تونس شد؛ برخی جوانان را نیز به سوی تشیع جذب کرد. شیعیان دیگری نیز مانند «مبارک بعداش» ظهور کردند که در راستای تقویت بنیه عقاید شیعه تونس تلاش می‌کردند. بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان تونس در سه حوزه سیاسی (بدون اظهار تشیع و همگام با دیگر معترضان)، اجتماعی (با شکل دادن محافل دعا و ذکر در مساجد کوچک) و اعتقادی (مطالعه کتب و تفاسیر) فعالیت خود را شروع کردند (الزموری، ۲۰۲۰: ۱۰۵ و ۱۰۶).

استفاده شیعیان و نیز بسیاری از اسلام‌گرایان تونسی از ادبیات انقلاب اسلامی، باعث شد بورقیبه، معارضان را با نام «خمینیست» وابسته به نظام جدید ایران بنامد و بعد از مدتی روابط سیاسی خود با ایران را قطع کند. در این دوران، معارضه اسلام‌گرای تونس به‌ویژه شیعیانی مانند

«سعید بوعجیله» و «مقداد الرصافی» از ادبیات برخاسته از اندیشه‌های «محمدباقر صدر»، «علی شریعتی»، «مرتضی مطهری» و «محمدحسین فضل‌الله» و ... به‌عنوان سلاحی فکری در نزاع فکری و ایدئولوژیک با چپ‌گرایان استفاده می‌کردند (الزموری، ۲۰۲۰: ۱۰۴). تشیع در تونس پس از انقلاب ایران توانست تعداد اندکی از جنبش النهضه را هم به سوی خود جلب نماید (جورشی در «جمعی از نویسندگان»، ۱۳۹۳: ۴۷). از همین رو شیعیان با فشارهای زیادی از دو سو مواجه شدند: حکومت که آنها را وابسته به ایران قلمداد می‌کرد و اسلام‌گرایان سنی که نگران شیعه شدن بدنه اجتماعی خود بودند. از این رو شیعه نتوانست در این دوران مؤسسه یا نهادی با نام تشیع ایجاد کند.

با روی کار آمدن بن‌علی در سال ۱۳۶۶ روابط دو کشور به تدریج بهبود یافت و نظام بن‌علی فشارها بر شیعیان را کاهش داد؛ تا ایران از کمک به مخالفان قوی‌تر نظام یعنی «النهضه» پرهیز کند. شیعیان نیز این فرصت استفاده کرده اقدام به برگزاری علنی مراسم شیعی مانند احیای عید غدیر یا مراسم عزاداری در روز عاشورا نمودند و افرادی نظیر تیجانی آشکارا فعالیت داشتند. هم‌چنین «عماد الدین الحمرونی» شیعه تونسی مقیم پاریس اقدام به تأسیس «جمعیت فرهنگی اهل بیت (ع)» کرد و البته نه تنها به مقابله با نظام بن‌علی برنخاست بلکه در مناسبت‌هایی اقدام به ستودن این نظام نیز می‌کرد. با پیروزی‌های حزب‌الله لبنان علیه رژیم صهیونیستی در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۵ فضای اجتماعی تونس رویکرد مثبتی نسبت به تشیع اتخاذ کرد (الزموری، ۲۰۲۰: ۱۰۶-۱۰۹). با تحولات سال ۱۳۹۰ و سقوط بن‌علی شیعیان فعالیت خود را توسعه داده و با کنار گذاشتن تقیه، وب‌سایت نیز ایجاد کردند. هر مرورگر در شبکه اجتماعی فیس‌بوک می‌تواند؛ وب‌سایت شیعیان تونس را که از پرچم تونس به عنوان لوگوی جلویی خود استفاده می‌کند، همراه با دعا‌های فراوان برای خیر و صلاح امت، رحمت بر اهل بیت پیامبر (ص) و بیان فضایل فاطمه همسر علی بن‌ابی‌طالب علیه السلام مشاهده کند. در این سایت کلیپ‌های سخنرانی سید حسن نصرالله و دیگر رهبران ایران قابل مشاهده و برداشتن است (الزعیری، ۲۰۱۱).

مراجعه شیعیان به ایران برای تحصیل علوم دینی و معارف اهل بیت علیهم السلام را می‌توان از دیگر مصادیق تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بر آنان دانست که از طریق پخش جابه‌جایی به توسعه و تعمیق تشیع در این کشور منجر شده است. در حال حاضر شیعیان تونسی آزادانه در این کشور فعالیت می‌کنند و مراکزی مانند الموده، اسراء، مسارات و افرادی نظیر محمدصادق

بوعلاق، حسنی شعیر و ... آزادانه عقاید خود را منتشر می‌کنند. هرچند گاهی از جانب برخی سلفی‌ها تحت فشار قرار می‌گیرند؛ اما منع قانونی برای فعالیت ندارند. شیعیان تونس بیشتر در جنوب این کشور و در مناطقی مانند «قابس»، «قبلی»، «قفصه»، «سوسه»، «مهدیه» و نیز شهر «تونس» پایتخت این کشور زندگی می‌کنند.

۴- انقلاب اسلامی و چپ‌گرایان تونس

چپ‌گرایان تونس نیز از تأثیر انقلاب اسلامی به دور نبودند. «بسیاری از روشنفکران ترقی‌خواه عرب و حتی غیر عرب با گرایش‌های مختلف از جمله چپی‌ها با توجه به اشتراک موضوعی در مبارزه با نیروهای امپریالیسم جهانی به رهبری آمریکا، به طور مثبتی به انقلاب شیعی ایران واکنش نشان دادند» (جلیدی در «جمعی از نویسندگان»، ۱۳۹۳: ۱۸۶).

قیام مردم ایران علیه نظام شاه و موفقیت آنها در براندازی این نظام (که کمونیست‌های تونس آن را نماینده امپریالیسم جهانی می‌دانستند) با بهره‌گیری از روش‌ها و نمادهایی دینی، باعث شد که آنها در ادبیات خود به‌ویژه در مفهوم «دین افیون ملت‌هاست» تجدید نظر کرده و به‌نوعی این دیدگاه مارکس را تعدیل کنند که منظور دینی است که در خدمت ظالم باشد. در میزگردی که حزب کمونیست تونس با عنوان «مارکسیسم و وطن عربی امروز» در فروردین ۱۳۶۲ برگزار کرد، دبیر کل آن حزب «محمد النافع» در سخنرانی خود با عنوان «ما و مارکس» درباره منظور مارکس از افیون بودن دین صحبت کرد و اشاره کرد که ما کمونیست‌هایی در جامعه مسلمان هستیم و نه در جامعه مسیحی و اینکه مارکسیسم الحاد و ضدیت با دین نیست و ... بعد از آن نیز دیگر اندیشمندان کمونیست تونس سعی کردند این موضع را تقویت کنند و مقالاتی با عنوان «مارکسیسم الحاد نیست» عبدالحمید الأقرش، «مروری بر تعامل حزب کمونیست با اسلام» (هشام سکیک) و یا کتاب «قرائتی دینی از نزاع‌های اجتماعی در اسلام» اثر مصطفی التواتی، از نظریه‌پردازان کمونیست تونسی، در همین راستا نوشته شدند (جلیدی در «جمعی از نویسندگان»، ۱۳۹۳: ۱۸۶).

چپ‌گرایان تونس نیز سعی کردند با نزدیکی به نظام جدید ایران به عنوان نظامی که یک حکومت وابسته به امپریالیسم را برانداخت، از روش‌های این نظام برای مقابله با نظام بورژوازی و

بعدها بن علی (به عنوان نظام‌هایی وابسته به امپریالیسم) بهره‌برداری نمایند. در مجموع، سه عامل حضور نیروهای چپ‌گرا در میان انقلابیون ایران، طرح شعارهای ضدامپریالیستی از سوی مخالفان شاه و نیز وابستگی نظام شاه به جبهه غرب، زمینه پذیرش انقلاب ایران از سوی چپ‌گرایان تونس را فراهم ساخته بود.

۵- انقلاب اسلامی و انقلاب تونس

اشاره شد که عامل زمان و در واقع گذشت زمان همواره به عنوان یکی از موانع پخش محسوب شده و قدرت تأثیر امواج موضوع پخش به تدریج کاهش یافته تا جایی که محو می‌شود. ضمن این که نمی‌توان این مانع را نادیده گرفت اما نباید آن را مطلق دانست؛ البته نمی‌توان برای زمان هم نهایی قائل شد. انقلاب اسلامی در سال‌های نخست آن تأثیراتی قوی و غیرقابل انکار در جوامع مسلمان داشت؛ اما به تدریج با حمله نظامی عراق به ایران و انعکاس وارونه این حمله در جهان عرب، ایران در مقام کشوری شیعی و غیرعربی نمایانده شد که به کشوری غیرشیعی و عربی حمله کرده و قصد دارد امپراتوری فارسی گذشته را احیا نماید. این موضوع در کنار مشکلات اقتصادی بعد از انقلاب و تلاش بی‌وقفه حاکمان عرب در ممانعت از انتشار امواج انقلاب، از شدت تأثیر گذاری انقلاب اسلامی در این کشورها از جمله تونس کاست.

با بروز انقلاب‌های عربی با مضامینی اسلامی در اوایل دهه ۹۰ شمسی، بار دیگر اذهان به سمت ایران و انقلاب سه دهه پیش آن رفت. جمهوری اسلامی نیز تلاش کرد با استفاده از فضای بازی که بعد از این انقلاب‌ها به وجود آمده، ایده‌های دینی حکومت را به حاکمان جدید منتقل سازد. در این دوران رفت و آمد هیأت‌های غیردولتی از کشورهای شمال آفریقا و از جمله تونس به ایران بیشتر شد و نوشته‌های زیادی درباره تأثیر انقلاب اسلامی به رشته تحریر درآمد؛ اما این بار نیز مانعی بزرگ بر سر راه انتشار امواج انقلاب اسلامی به جهان عرب پدید آمد و آن تحولات سوریه و حمایت ایران از نظام سوریه بود که نزد بسیاری از اسلام‌گرایان عرب، مقابله ایران با اندیشه اسلامی سیاسی سنی تعبیر شد و بر پایگاه ایران در افکار عمومی عرب تأثیر منفی گذاشت؛ اما با این وجود بسیاری از تحلیل‌گران و فعالان سیاسی در جهان عرب و به‌ویژه تونس، رشد اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران در تونس را آشکار می‌دیدند. حضور النضه در قدرت

از سوی بسیاری از جریان‌های رقیب، نتیجه حمایت ایران از این جریان تلقی می‌شد و خروج این جریان از قدرت با روی کارآمدن قیس سعید نیز از سوی این جریان به حمایت ایران از قیس سعید ربط داده شد (مرزوقی، ۱۳۹۸).

این برداشت‌ها از سوی همه جریان‌های فعال در تونس را می‌توان به معنای حضور اندیشه و فکر انقلابی ایران در تونس تعبیر کرد و اظهار داشت که به‌رغم گذشت بیش از ۴۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، هم‌چنان ایران یکی از بازیگران فعال/مداخله‌گر در تونس به شمار می‌رود. نمونه دیگر از این دست تفکرات، گفته‌های خانم عبیر موسی، رئیس حزب الدستوری الحر و از مخالفان النهضه و نظام قیس سعید در آذر ۱۴۰۲ در صفحه فیس‌بوک خود است که بازداشت خود به عنوان یک زن را تأثیرپذیری سلبی نظام تونس از «روش حکومت خمینی در ایران» قلمداد می‌کند. تغییر ریشه‌های النهضه از رویکرد فرهنگی صرف به رویکرد سیاسی در مبارزه با نظام حاکم و تحولی که بر اثر انقلاب اسلامی در غنوشی و دیگر سران النهضه به وجود آمد نیز تا کنون باقی مانده و به‌ویژه در جریان انقلاب یاسمین تونس و پس از آن حفظ و تقویت شده است. بر این اساس می‌توان گفت؛ ضمن آن‌که تأثیر انقلاب اسلامی بر جریان اسلامی تونس در اوایل پیروزی انقلاب کامل مشهود و مورد اعتراف سران آن بود تا کنون نیز این تأثیر هرچند با شدت کمتر، حفظ شده است.

نتیجه‌گیری

۱۳۸

این مقاله با استفاده از نظریهٔ پخش، تأثیر انقلاب اسلامی در کشور تونس به‌ویژه اسلام‌گرایان آن کشور را در بازه زمانی ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی تونس مورد بررسی قرار داد. اشاره شد که در آن دوران مهم‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی در تونس استبداد، افزایش فقر و شکاف طبقاتی و دین‌ستیزی حکومت بوده است. این موضوعات باعث شد تا فضای سیاسی و اجتماعی تونس صحنه مبارزه معترضان به‌ویژه چپ‌ها و اسلام‌گرایان علیه نظام حاکم باشد. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد؛ نظام حاکم بر تونس با احساس خطر از تأثیر انقلاب اسلامی، تلاش کرد از طریق ایجاد محدودیت برای اسلام‌گرایان و اتهام خمینیست‌ها و زندانی کردن آن‌ها به عنوان مانعی در برابر پخش اندیشه‌ها و روش‌های انقلابی

ایران عمل کند. از سوی دیگر دوری مسافت بین دو کشور و نیز تفاوت مذهبی و زبانی دو جامعه به عنوان موانعی طبیعی در مقابل سرایت امواج انقلابی به تونس عمل می‌کردند. در مقابل اسلام‌گرایان با کنار گذاشتن اختلافات شیعی-سنی و الهام گرفتن از این اندیشه‌ها و روش‌ها تلاش کردند؛ تارفتار سیاسی و به‌ویژه دینی حکومت را تغییر داده و در صورت امکان به دنبال تشکیل حکومت اسلامی باشند. در این میان جنبش اسلام‌گرای النهضه و به‌ویژه رهبر آن آقای راشد الغنوشی به عنوان قدرتمندترین گروه مخالف حکومت تونس، ضمن آن‌که مراقب بودند؛ هواداران آن‌ها جذب اندیشه‌های شیعی نشوند؛ بیشترین تلاش را کردند؛ تا اندیشه‌ها و روش‌های انقلابیون ایران را فراگرفته و بر اساس آن اقدام به مقابله با نظام حاکم بر تونس کنند. دانشجویان اسلام‌گرا، چپ‌گرایان و شیعیان نیز به شیوه‌های متفاوتی از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفتند و متناسب با آن اقداماتی در آن بازه زمانی نمودند که الهام گرفتن شیعیان تونس از انقلاب اسلامی هم‌چنان ادامه دارد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی تمام مقاله را نوشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

الف- منابع فارسی و عربی

- ابوعماد (۱۹۷۹)، «تحیة إلى الإمام خمینی»، *المعرفة*، شماره ۴، آوریل.
- ابویوسف (۱۹۷۹)، «الرسول ینتخب ایران للقيادة»، *المعرفة*، شماره ۴، آوریل.
- اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۲)، *انقلاب ایران و بازتاب‌های جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران: انتشارات باز.

- اسپوزیتو، جان ال؛ سان تامارا، وال، جان اُ (۱۳۹۶)، **دولت و جنبش‌های اسلامی معاصر: اسلام و دموکراسی پس از بهار عربی**، ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی و محمد حاجی پور، تهران: نگاه معاصر.
- الزاوی، الحسین (۲۰۱۰)، **المغرب العربی و ایران؛ تحديات التاريخ و تقلبات الجغرافيا السياسية، فی العرب و ایران؛ مراجعة فی التاريخ و السياسة**، دوحه: المركز العربی للأبحاث و دراسة السياسات.
- الزموری، عبدالحق (۲۰۲۰)، **الشیعة فی تونس؛ قراءة علمية فی التاريخ الطویل، تونس: إرتحال للنشر و التوزيع.**
- الغنوشی، راشد (۱۳۸۹)، **راشد الغنوشی و جنبش اسلامی تونس**، ترجمه مریم حیدری و حسین عباسی، پگاه حوزة: شماره ۲۹۸.
- الغنوشی، راشد (۱۳۹۶). **امام خمینی و رهبری نهضت‌های اسلامی معاصر جهان**، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، دوامنامه کیهان اندیشه.
- الهرمسی، محمد عبدالباقی (۱۹۹۹)، **المجتمع والدولة فی المغرب العربی**، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱)، **نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بشاره، عزمی (۲۰۱۳)، **الثورة التونسية المجيدة**، بیروت: المركز العربی للأبحاث و دراسة السياسات.
- بودون، ریمون؛ فرانسوا، بوریکو (۱۳۸۵)، **فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر.
- تالشان، حسن و نصر دهریری، الیاس (۱۳۹۳)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی در تونس»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۴، زمستان.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۳)، **اسلام سیاسی در تونس؛ از مشت آهنین بن علی تا انقلاب یاسمین**، ترجمه مصطفی اسماعیلی و مهدی عوض‌پور، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جورشی، صلاح‌الدین (۲۰۰۰)، **الاسلامیون التقدمیون فی تونس**، قاهره: مرکز القاهرة لدراسات حقوق الإنسان.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۴)، **بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران**، تهران: سمت.
- درخشه، جلال و زینالی صادق (۱۳۹۶)، «صدور اندیشه انقلاب؛ تأثیر انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) بر مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی راشد الغنوشی»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۳۶، پاییز.
- درخشه، جلال (۱۳۸۹)، **گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- دکمچیان، هریر (۱۳۸۳)، **اسلام در انقلاب؛ جنبش‌های اسلامی در جهان عرب**، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)، **تضاد و توسعه**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- علانی، اعلیه (۱۳۹۵)، **اسلام‌گرایان تونس؛ از معارضة تا حکومت**، ترجمه محمد عربشاهی، تهران: وزارت امور خارجه.
- فرارو، گری پی (۱۳۷۹)، **انسان‌شناسی فرهنگی: بعد فرهنگی تجارت جهانی**، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران، سمت.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳)، **قبله عالم؛ ژئوپولیتیک ایران**، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- قصیر، عبدالرزاق (۱۹۸۲)، **حرکت الاتجاه الإسلامی فی تونس**، موقف الخطاب العلمی و الخطاب الصحافی، تونس: معهد الصحافة و علوم الأخبار.
- لويس، برنارد (۱۳۷۸)، **زبان اسلام سیاسی**، ترجمه غلامرضا بهروزلک، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- مارشال، گوردون (۱۳۸۸)، **فرهنگ جامعه شناسی**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: میزان.
- محمد احمد، هیفاء (۲۰۱۳)، «الإسلاميون فی تونس بین المعارضة والسلطة»، فصلنامه دراسات الدولیه، شماره ۵۸.
- نالوتی، سعیده (۱۹۸۰)، «الصحافة الإسلامية فی تونس؛ مجلة المعرفة، رسالة ختم الدروس»، تونس: معهد الصحافة و علوم الأخبار.

ب- منابع انگلیسی

- Halliday, Fred (1990) “**Tunisia’s uncertain future.**” Middle East report, no. 163 (May- Apr’s 1990).
- Hunter, Shireen, (1988), “Iran and the Spread of Revolutionary Islam”, **Third World Quarterly**, Vol. 10, No. 2.
- Kuper, Adam, 1985, akdJessica Kuper (ed), **The Soccie Encyclopedia**, London, Reutledge and Paul.
- Menashri, David, (2007), “Iran’s Regional Policy: Between Radicalism and Pragmatism”, **Journal of International Affairs**, Vol.60, No.2.

- Merrick, Dylan E (2018), *The Tunisian Revolution as a Catalyst to the Arab Spring: A Case Study of Revolution in North Africa and the Middle East*, University of Nevada, Reno.
- Netterstrøm, Kasper Ly (2017), *Essays on the Revolution in Tunisia*, European University Institute Department of Political and Social Sciences
- Norman Salem. **“Tunisia” in the politics of Islamic Revivalism**, ed. Shireen T Hunter (Bloomington: Indiana Univ. Press, 1988), 155.

ب- منابع الکترونیکی

- الزعیری، ناجی، (۲۰۱۱) الحركات الإسلامية فی تونس: بأی خطاب عادت... وماذا تريد؟ ۱۲-۹-۲۰۱۱، پایگاه اینترنتی «تورس» قابل بازیابی در:

<https://www.turess.com/alchourouk/507908>

- الغنوشی، راشد، (۲۰۰۸)، «الغزالی توسط لی عند الشاذلی فغض الطرف عن إقامتی فی الجزائر»، روزنامه الشروق الجزائر، ۲۴ نوامبر، قابل بازیابی در:

<https://www.echoroukonline.com/%d8a7%d984%d8ba%d8b2%d8a7%d984%d98a-%d8aa%d988%d8b3%d8b7-%d984%d98a-%d8b9%d986%d8af-%d8a7%d984%d8b4%d8a7%d8b0%d984%d98a-%d981%d8ba%d8b6-%d8a7%d984%d8b7%d8b1%d981-%d8b9>

- الغنوشی، راشد، السيرة الذاتية - الغنوشی وأطوار من نشأة الحركة الإسلامية فی تونس...المصدر: موقع الشيخ راشد الغنوشی:

http://www.ghannoushi.net/index.php?option=com_content&view=article&id=92:alghannoushi-waatwar-min-nasatil-haraka&catid=38:biography&Itemid=27

۱۴۲

- بوعلاق، محمدصادق، پایگاه اطلاع رسانی رسمی او. قابل بازیابی در:

www.mbouallegue.com

- خسروشاهی در گفتگو با مهر، «قیام راشد الغنوشی در تونس مبارزه در راه نهضت اسلامی است»، ۳ بهمن ۱۳۸۹، قابل بازیابی در:

<http://www.farhangemelal.icro.ir/news/1712/%D8AA%D988%D986%D8B3-%D986%D8A8%D8A7%DB%8C%D8AF-%D9BE%D8A7%DB%8C%D8AA%D8AE%D8AA-%D9BE%D986%D8AC%D9%85-%D8A8%D8A7%D8B4%D8AF>

- مرزوقی، ابویعرب، (۱۳۹۸)، «تونس نباید پایتخت پنجم باشد»، پایگاه تخصصی تحلیلی جامعه و فرهنگ ملل، قابل بازیابی در:

<https://farhangemelal.icro.ir/news/1712/%D8AA%D988%D986%D8B3-%D986%D8A8%D8A7%DB%8C%D8AF-%D9BE%D8A7%DB%8C%D8AA%D8AE%D8AA-%D9BE%D986%D8AC%D9%85-%D8A8%D8A7%D8B4%D8AF>